****

[تعریف اجتهاد 1](#_Toc496182380)

[تعریف لغوی و اصطلاحی اجتهاد 1](#_Toc496182381)

[جهد به معنای مشقت نیست 1](#_Toc496182382)

[ارائه تعریف غیر مشهوراز مرحوم اغا ضیا 2](#_Toc496182383)

[خلط تعریف به نکته ای دیگر توسط مرحوم اغاضیا 2](#_Toc496182384)

[عدم اشکال به عدم جامعیت و عدم مانعیت تعریف 3](#_Toc496182385)

[وارد نبودن اشکال مرحوم خویی به تعریف اجتهاد 4](#_Toc496182386)

[مقدمه بحث اختلاف اصولیون و اخباریون 4](#_Toc496182387)

**موضوع**: تعریف لغوی و اصطلاحی اجتهاد (تعریف اجتهاد /اجتهاد و تقلید)

# تعریف اجتهاد

بحث اجتهاد و تقلید یک بحث اصولی نیست ولی مرحوم اخوند در کفایه به طور اختصار این بحث را مطرح کرده است و ما هم به تبع ایشان به طور اختصار ان را طرح می­کنیم . بخلاف مرحوم سید یزدی در عروه که فروعات زیادی را مطرح کرده است. و مفصلا از ان بحث فرموده است.

## تعریف لغوی و اصطلاحی اجتهاد

اخوند در کفایه فرموده است[[1]](#footnote-1) اجتهاد در لغت به معنای تحمل مشقت است بنا بر این از ریشه جهد (( به ضم و یا فتح جیم))به معنای مشفت است و به باب افتعال رفته است ومعنای مطاوعه را به خود گرفته است در نتیجه به معنای تحمل مشقت امده است. در قران نیز به معنای لغوی امده است(( لا یجدون الا جهدهم یعنی مشقت و زحمت.))[[2]](#footnote-2)

### جهد به معنای مشقت نیست

اینکه معنای لغوی و اصطلاحی کلمه اجتهاد را بحث کنیم مهم نیست زیرا در آیه و یا روایتی نیامده است و دارای اثر مهمی نیست. اما اینکه اجتهاد به معنای مشقت باشد به ذهن میاید که درست نباشد چون در جهد مشقت هست ولی به معنای مشقت نیست بلکه معادل فارسی ان تلاش است منتها به علاوه مشقت. اجتهاد به معنای تلاش خاص است تلاش همراه با زحمت است. حال چقدر زحمت لازم دارد اختلاف است مرحوم اغا ضیا گفته اجتهاد نظیر چاه کندن به وسیله سوزن است ولی به نظر میاید که به این مقدار هم لازم به زحمت نیست بله در اجتهاد تلاش ومداوم کار کردن لازم است و این نکته خیلی مهم است که در تعطیلات باید همان زحماتی که در طی سال متحمل میشود را در تعطیلات هم متحمل شود.

اجتهاد در اصطلاح به همان معنای لغوی است ولی مقداری خاص است معمولا معانی اصطلاحی همان معانی لغوی است ولی مقداری خاص شده است. مرحوم اخوند در کفابه فرموده است:[[3]](#footnote-3)

((و اصطلاحا كما عن الحاجبي‏[[4]](#footnote-4) و العلامة[[5]](#footnote-5) استفراغ الوسع في تحصيل الظن بالحكم الشرعي‏[[6]](#footnote-6)کما عن الحاجبی استفراغ الوسع بتحصیل الظن بالحکم الشرعی)) یعنی تمام وسعش را خالص بکند در تحصیل ظن به حکم شرعی. علامه در کتابهای اصولی خود از جمله مبادی و تهذیب همین معنا را برای اجتهاد پذیرفته است.

و بعضی اجتهاد را اینگونه تعریف کرده اند((و عن غيرهما[[7]](#footnote-7) ملكة يقتدر بها على استنباط الحكم الشرعي الفرعي من الأصل فعلا أو قوة قريبة).[[8]](#footnote-8)

حال یا قدرت بالفعل دارد وبا بالقوه قریبه نه بعیده

### ارائه تعریف غیر مشهوراز مرحوم اغا ضیا

ایشان اجتهاد را به معنای ملکه قدسیه را به عنوان یک تعریف ارائه کرده است که شهید ثانی در منیه المرید هم این معنا راگفته است.[[9]](#footnote-9)

### خلط تعریف به نکته ای دیگر توسط مرحوم اغاضیا

شهید اجتهاد را به این معنا معتقد نمیباشد بلکه به همان معنای ملکه یقتدر....منتها در مفتی نکته ای را اضافه میکند که مجتهدین در مقام فتوا دو قسم هستند بعضی ملکه را دارند ولی در مقام تفریع فروع توانای زیادی ندارد و زود به ذهنشان نمیاید که این فرع را به چه اصلی تطبیق کننند در عین حال ممکن است قاعده را خوب تنقیح کرده اند ولی در تطبیق توانایی زیادی ندارند ولی بعضی زود تفریع میکنند مثل سید یزدی و صاحب جواهر. شهید در منیه فرموده این قوت تطبیق نیاز به لطف خدا دارد حال این مطلب مربوط به باور انسان است که این استنباط سریع، نیاز به قوت قدسیه دارد یا مثل حاج شیخ اصفهانی میگوید[[10]](#footnote-10) ربطی به قوه قدسیه ندارد ایشان در تعلیقه همین بحث میگوید بلکه مربوط به ذکاوت است.

استاد: ارئه چنین تعریفی از جانب اغا ضیا درست نیست وکسی ان را نگفته است و نکته ای شهید گفته است مربوط به مرحله ی دیگری از بحث های اجتهاد است مثلا کسی مجتهد شده است حال میتواند بر کرسی فتوا بنشیند یا نه؟ شهید میگوید نیاز به قوه قدسیه دارد و حاج شیخ میگوید فتوا دادن مربوط به ذکاوت است ولی به نظر میاید که نیاز به قوه قدسیه بعید نیست. در اصل اجتهاد قوه قدسیه نیاز نیست ولی در مقام رسیدن به حکم خدا و احکام دینی نیاز به تایید از جانب خدا دارد.

**خلاصه بحث:** برای اجتهاد اصطلاحی دو تعریف معروف مطرح شده است 1- استفراغ الوسع......... که اساس این تعریف از جانب عامه است. 2- ملکه یقتدر بها..............

### عدم اشکال به عدم جامعیت و عدم مانعیت تعریف

اخوند در ادامه می­گوید[[11]](#footnote-11) همانطور که کرارا در جاهای مختلف کفایه گفته است این تعاریف حقیقی نیستند و حد و رسم ندارند بلکه تعاریف لفظی هستند مانند معانی که لغویین برای الفاظ ذکر میکنند. و این دو تعریف به یک حقیقت اشاره می­کنند ولی هر کدام همراه با یک خصوصیتی است و این کلام اخوند متین است در روایات هم اینگونه است گاهی یک چیزی را به چند نحوه بیان میکند ولی هر کدام با یک خصوصیتی بیان میکند. مثالا متقی در روایات به تعاریف مختلفی امده است یک روایت میگوید متقی ان است که به یاد اخرت باشد و در بعضی از روایات به خصوصیاتی دیگری امده است.

در باب اجتهاد تعریفی که می­گوید استفراغ الوسع درست است چون مجتهد در حال استنباط، استفراغ الوسع را دارد و ان تعریفی که می­گوید اجتهاد ملکه است نیز درست است چون کسی که استنباط می­کند ملکه را دارد البته اینکه صرف تبدیل لفظی به لفظ دیگری باشد و شرح لفظ باشد درست نیست بلکه مقداری بالاتر است ولی حقیقت را بیان نمی­کند. پس اشکال به عدم جامعت درست نیست ولی با این حال اخوند فرموده است که بهتر این است که در تعریف استفراغ ....... به جای ظن کلمه حجت قرار داده شود.

جناب اخوند با این توجیه میخواهد تعریف را توجیه کند که چون غالب حجت ها ظنی هستند کلمه ظن را اورده اند ولی ظن خصوصیت ندارد بلکه از باب مصداق است و اجتهاد قوامش به تحصیل حجت شرعی است.

### وارد نبودن اشکال مرحوم خویی به تعریف اجتهاد

بنا براین توجیه، اینکه مرحوم خویی در مصباح گفته است[[12]](#footnote-12) تعریف به ظن غلط است، درست نیست و علامه و بعضی همین تعریف مشهوررا قبول کرده اند و ما ان را توجیه کردیم نه اینکه تعریف غلط باشد.

و منظور از حجت هم اعم است و شامل حجت شرعی و عقلی میشود. بنا بر این مجتهد با استفراغ الوسع یا به علم میرسد ویا امارات ویا اصل عملی و در مواردی که مجتهد میگوید احوط ویا فیه اشکال اجتهادش به نتیجه نرسیده است و به حجت نرسیده است چون احتیاط در مقابل اجتهاد است. بله اجتهاد لغوی هست ولی اصطلاحی نسیت.

### مقدمه بحث اختلاف اصولیون و اخباریون

اولی گفتن اخوند و تعدی از کلمه ظن به حجت در تعریف اجتهاد مقدمه مطلب مهمی است که عبارت است ازاختلاف بین مسلک اخباری و اصولی. که در جلسه اینده بحث خواهد شد.[[13]](#footnote-13)

1. کفایه الاصول طبع ال البیت ص 463 [↑](#footnote-ref-1)
2. توبه آیه 56 [↑](#footnote-ref-2)
3. کفایه ص 463طبع ال البیت [↑](#footnote-ref-3)
4. راجع شرح مختصر الأصول/ 460، عند الكلام عن الاجتهاد. [↑](#footnote-ref-4)
5. التهذيب- مخطوط. [↑](#footnote-ref-5)
6. آخوند خراسانى، محمد كاظم بن حسين، كفاية الأصول ( طبع آل البيت ) [↑](#footnote-ref-6)
7. زبدة الأصول للشيخ البهائي( ره)/ 115 المنهج الرابع في الاجتهاد و التقليد. [↑](#footnote-ref-7)
8. [↑](#footnote-ref-8)
9. کتاب اجتهاد و تقلید ص24 [↑](#footnote-ref-9)
10. ((و لا يخفى أنه ليست ملكة الاستنباط إلّا تلك القوة الحاصلة من معرفة ما ذكره، لا قوة أخرى تسمى بالقوة القدسية و أنها نور يقذفه اللّه في قلب من يشاء، فان الاجتهاد- بمعنى «استفراغ الوسع في تحصيل الحجة على الحكم» ممكن الحصول للعادل، و الفاسق و المؤمن و المنافق، لتسببه عن إعمال القوة النظرية الحاصلة من إتقان العلوم النظرية الدخيلة في تحصيل الحجة على الحكم، من دون حاجة إلى قوة قدسية إلهية أو قذف نور منه تعالى في قلب المستنبط، و إن كان كل قوة و كمال علمي أو علمي منه تعالى))نهایه الدرایه فی .شرح کفایه ج 3 ص426 [↑](#footnote-ref-10)
11. و لا يخفى أن اختلاف عباراتهم في بيان معناه اصطلاحا ليس من جهة الاختلاف في حقيقته و ماهيته لوضوح أنهم ليسوا في مقام بيان حده أو رسمه بعباره بل إنما كانوا في مقام شرح اسمه و الإشارة إليه بلفظ آخر و إن لم يكن مساويا له بحسب مفهومه كاللغوي في بيان معاني الألفاظ بتبديل لفظ بلفظ آخر و لو كان أخص منه مفهوما أو أعم.کفایه ص 464 [↑](#footnote-ref-11)
12. [↑](#footnote-ref-12)
13. 9-فنقول: قد عرّف الاجتهاد في كلام جماعة من العامة و الخاصة باستفراغ الوسع في تحصيل الظن بالحكم الشرعي. و هذا التعريف غلط، مصباح الاصول ج 2 ص 434

    10- ((و كيف كان فالأولى تبديل الظن بالحكم بالحجة عليه فإن المناط فيه هو تحصيلها قوة أو فعلا لا الظن‏)) کفایه ص 464 [↑](#footnote-ref-13)